

اخلاق حرفه ای در سازمان از منظر مغز متفکر جهان شیعه (امام صادق (ع))

معصومه نقدی، زهت الزمان مشفق، آرزو عرفان، نسیم ترابی^۱

چکیده

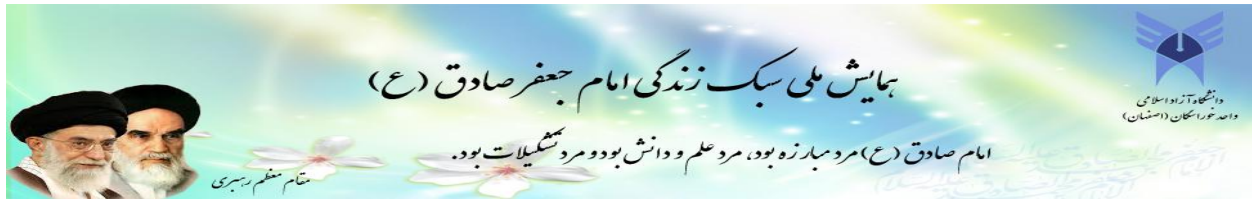
بررسی آموزه های روایی شیعه همواره به عنوان روش های عقل گرایانه در همه مراحل زندگی شخصی و حرفه ای مورد استفاده قرار گرفته است. ترویج اخلاق در سازمان ها و هر مؤسسه آموزشی بر اصول معینی استوار است. اخلاق مدیریت آموزشی خود شاخه ای از اخلاق حرفه ای است که به بحث از اخلاق در آموزش و پرورش به منزله یک حرفه می پردازد؛ بنابراین بحث اخلاق در مدیریت به لحاظ نظری بر مفاهیم بنیادین و اصول راهبردی و قواعدی استوار است که البته در این مقاله به طور اختصار آمده است؛ لذا با توجه به نکات مطرح شده، این مقاله با کاوشی پیرامون اخلاق حرفه ای از منظر امام صادق (ع) آموزه های اخلاقی آن امام همام را در سازمان مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. پژوهش حاضر از روش تحلیلی، برای بررسی این موضوع استفاده نموده است.

کلیدواژه: اخلاق، اخلاق حرفه ای، امام صادق (ع)، سازمان

مقدمه

انسان این نیکوترین آفرینش خداوند متعال، دارای ابعاد وجودی متنوعی است که این ابعاد نیاز به شکوفایی و متعالی شدن دارد. از مهم ترین این ابعاد پرورش فضایل اخلاقی است که در عین حال مشکل ترین کار است. اخلاق و تربیت اخلاقی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و پیشوایان دینی بوده است. از دیدگاه اسلام، پرورش فضایل اخلاقی یکی از اهداف والای پیامبران است تا انسان در مسیر کمال قرار گیرد. اسلام مکتبی است واقع گرا که در آن به همه جوانب نیازهای بشری، اعم از جسمی، روحی، فردی و اجتماعی و ... توجه شده است و دارای اصول و معیارهای محکم و مشخص می باشد و برای تمام مراحل زندگی انسان برنامه دارد و در این دیدگاه اصول اولیه اخلاق و معیارهای انسانیت به هیچ وجه نسبی نمی باشد.

در تعریفی که علاقه بند، ۱۳۸۳ از سازمان بیان میدارد، سازمان عبارت است از هماهنگی معقول عده ای از افراد که برای تحقق هدف مشترکی از طریق تقسیم وظایف و برقراری روابط منظم و منطقی به طور پیوسته فعالیت می کنند (ص ۹).



ویژگی مشترک سازمان ها وجود ترکیب اجتماعی افرادی است که به صورت گروهی همکاری میکنند و لازم است در روابط و رفتار خود تحت الگوها و موازین اخلاقی عمل نمایند و بدین ترتیب سازمان و اخلاق لازم و ملزوم یکدیگرند، بنابراین مساله تحقیق آن است که به بررسی آموزه های اخلاقی امام صادق (ع) در سازمان پرداخته شود و در این راستا ضروری بنظر میرسد که کلمه اخلاق به طور ریشه ای مورد بررسی قرار گیرد.

«اخلاق» جمع «خُلُق» است که به معنای شکل درونی انسان و سرشت و سجیه آمده است. به غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان وجود دارد، اخلاق گفته می شود و به کردارها و رفتارهایی که از این خلقیات، ناشی می شود نیز اخلاق یا رفتار اخلاقی می گویند.

ابن منظور می نویسد:

الْخُلُقُ بضمّ اللام و سکونها و هو الدین والطبع والسجیه و حقیقه أنه لصوره الانسان الباطنه وهی نفسه و أوصافها و معانیها المختصه بها بمنزله الخلق لصورته الظاهره و أوصافها و معانیها و لها اوصاف حسنه و قبیحه^۱.

واژه اخلاق همانند دوواژه Moral و Ethics دو کاربرد متمایز دارد: گاهی اخلاق به معنی خلق و خوی، رفتار عادت شده و مزاج به کار می رود. این واژه گاهی به معنای عادت و سجیه و Custom بکار می رود. معنای دیگر این واژه ها دانشی است که از حسن و قبح و خوبی و بدی رفتار بحث می کند. اخلاق حرفه ای نیز به دو معنا اطلاق می شود: خلق و خوی حرفه ای و دانشی که از مسایل اخلاق حرفه ای در کسب و کار بحث می کند. (قراملکی، ۱۳۸۲: ۵۶)

بنابراین، اخلاق، عبارت است از: ویژگی های پایدار نفسانی که با اراده و اختیار، صورت گیرد.

در اینجا نمونه هایی از تعریف اخلاق از دیدگاه دانشمندان جهان اسلام و جهان غرب بیان می گردد:

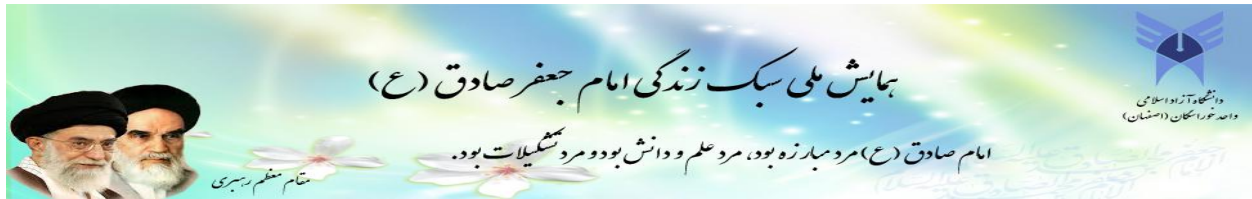
دانشمندان مسلمان، اخلاق را این گونه تعریف کرده اند.

ابوعلی مسکویه درباره تعریف اخلاق گفته است:

اخلاق، حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به سمت انجام کار، حرکت می دهد (تهذیب الاخلاق و طهاره العراق، ص ۵۱).

باز گفته اند:

^۱سوره قلم، آیه ۴.



علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتارهای اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (دیلمی، احمد، اخلاق اسلامی، ص ۱۶، دفتر نشر معارف، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش).

علم اخلاق از دیدگاه غربی‌ها نیز تعریف مشابهی دارد، چنانچه ژکس در کتاب فلسفه اخلاق خود می‌گوید: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد.»

در حالی که فولیکه معتقد است: «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراعات آن می‌تواند به هدفش برسد، علم اخلاق است.» (اخلاق النظریه، ص ۱۰).

اخلاق حرفه‌ای

ساده‌ترین انگاره در تعریف اخلاق حرفه‌ای این است که آن را مسئولیت‌پذیری در زندگی شغلی بدانیم. اخلاق حرفه‌ای بر حسب اینکه در این مسئولیت‌پذیری عضو مسئول دارای شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد، دو مرتبه پیدا می‌کند:

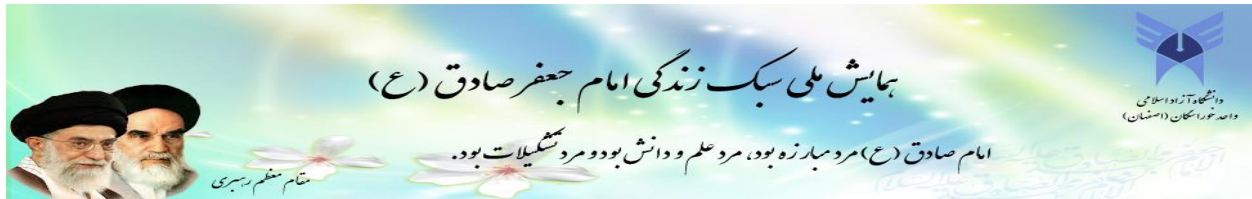
۱. مسئولیت اخلاقی فرد در زندگی.

۲. مسئولیت اخلاقی سازمان‌ها در قبال عناصر محیط داخلی و محیط خارجی. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۰۱)

پیوند اخلاق و عنصر مسئولیت قدمتی طولانی دارد و از زمان واگذاری مقام‌ها و مدیریت‌ها به افراد، اندیشه‌گران و فیلسوفان و حکیمان بر آن صحه گذاشته‌اند و بر وجود پیوندی ساختاری میان آن‌ها تأکید ورزیده‌اند. بسیار روشن است که اخلاق انسانی و مثبت، حوزه مسئولیت‌پذیری و ایفای نقش سازنده و مثبت را بالنده می‌سازد و البته که اولین خطر در حوزه مسئولیت و مدیریت بر جامعه، ظهور رفتارهای اخلاقی منفی و روی آوردن به خصلت‌های نفس‌مدار شیطانی است که در چنین وضعیتی، تعهد و مسئولیت رنگ می‌بازد و افراد نمی‌توانند به مسئولیت‌های خود عمل نمایند. اخلاقیات منفی، حجاب ارزش‌ها، کرامت‌ها و بزرگواری‌ها است.

ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای

امروزه در اخلاق حرفه‌ای، تلقی «شما حق دارید و من تکلیف»، مبنای هر گونه اخلاق در کسب و کار است. این مبنای رفتار ارتباطی فرد، به صورت اصلی برای ارتباط سازمان با محیط قرار می‌گیرد و سازمان با دغدغه رعایت حقوق دیگران، از تکالیف خود می‌پرسد. ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای در مفهوم امروزی آن عبارت‌اند از: دارای هویت علم و دانش بودن، داشتن نقشی کاربردی،



ارائه صبغه‌ای حرفه‌ای، بومی و وابسته بودن به فرهنگ، وابستگی به یک نظام اخلاقی، ارائه دانشی انسانی دارای زبان روشن انگیزشی، ارائه روی آوردی میان‌رشته‌ای (احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵)

امیری و همکاران، ۱۳۹۱ به نقل از کادوزیر^۱، ویژگی‌های افرادی که اخلاق حرفه‌ای دارند را، مسئولیت‌پذیری، برتری‌جویی و رقابت‌طلبی، صادق بودن، احترام به دیگران، رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، عدالت و انصاف، همدردی با دیگران، وفاداری را مطرح می‌نماید (اخلاق حرفه‌ای، ضرورتی برای سازمان، ماهنامه معرفت، شماره چهارم)، که در ارتباط با این ویژگی‌ها، احادیثی از امام صادق بیان می‌گردد:

صادق بودن

مخالف‌ریاکاری و دورویی است؛ به ندای وجدان خود گوش فرا می‌دهد؛ در همه حال به شرافت‌مندی توجه می‌کند؛ شجاع و با شهامت است.

امام صادق (ع) در بیان معیار انتخاب افراد می‌فرماید: "به نماز و روزه افراد فریفته نشوید؛ چه بسا که شخصی به نماز و روزه عادت کرده و ترک آن برایش وحشت آور و آزار دهنده است؛ بلکه آنها را در مقام راستگویی و امانت‌داری آزمایش کنید."

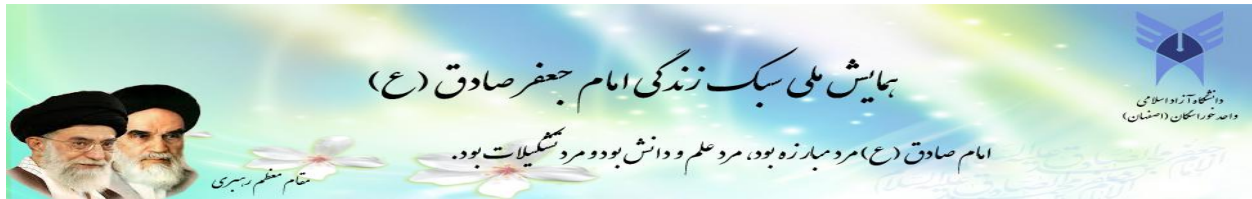
پست‌های دولتی در حکومت اسلامی، امانت‌هایی بس حساس و ارزشمندند و خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا"

"خداوند متعال به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهلش بسپارید."

بنابراین ویژگی امانت‌داری و راستگویی باید در اوصاف مدیران جامعه اسلامی با تمام وجود، دنبال، و منصب‌های حکومتی به عنوان امانت‌هایی گرانسنگ به اهلش واگذار شود.

این دو خصلت آنچنان اهمیت دارد که اساس نظم و انسجام و آرامش هر جامعه‌ای را می‌توان با تقویت و ترویج آن دو در میان افراد جامعه پی‌ریزی نمود و مشکلات را حل کرد و سعادت جوامع را تضمین نمود. امام صادق علیه السلام گذشته از توصیه‌هایی کلی به عموم شیعیان در این رابطه، به برخی از یارانش پیام ویژه می‌فرستاد. توجه ویژه امام صادق (ع) به اشاعه و احیای این دو ویژگی انسانی و اخلاقی در میان شیعیان، باعث گردیده است که این دو صفت در میان تمام صفات پسندیده و فضائل اخلاقی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.

¹ Cadozier



امام صادق علیه السلام به ابی کهمس فرمود: «اذا اتیت عبد الله فاقراه السلام وقل له: ان جعفر بن محمد یقول لک: انظر ما بلغ به علی عند رسول الله صلی الله علیه و آله فالزمه، فان علیا علیه السلام انما بلغ ما بلغ به عند رسول الله صلی الله علیه و آله بصدق الحدیث واداء الامانة؛ هرگاه پیش عبدالله (بن ابی یغفور) رفتی، سلام (مرا) به او برسان و بگو: جعفر بن محمد به تو می گوید: دقت کن در آن چیزی که به وسیله آن علی علیه السلام در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله سرفراز شد (و او را به آن مقاماتعالی رساند). پس (تو هم) آن ها را برای خودت لازم بدان (و رفتار خویش را با آن اوصاف زیبا بیارای)، مطمئنا علی علیه السلام باراستگویی و امانتداری در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله به آن درجه و عظمت رسید.

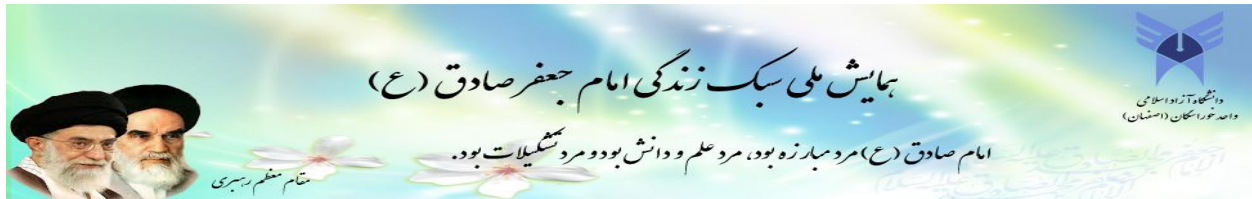
حضرت امام خمینی رحمه الله در شرح این حدیث می فرماید: «هان! ای عزیز! تفکر کن در این حدیث شریف! بین مقام صدق لهجه و رد امانت تا کجاست که علی بن ابی طالب علیهما السلام را بدان مقام بلند رسانید. از این حدیث معلوم می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دو صفت را از هر چیز بیشتر دوست می داشتند که در بین تمام صفات کمالیه مولی علیه السلام این دو او را مقرب کرده است و بدان مقام ارجمند رسانده است. امام صادق علیه السلام نیز در بین تمام فضائل اخلاقی که در نظر مبارکشان خیلی اهمیت داشته، به ابن ابی یغفور که مخلص و جان نثار آن بزرگوار بوده پیغام داده اند و او را به کاربرد و همنشینی با این دو صفت سفارش نموده اند. (چهل حدیث، امام خمینی رحمه الله، ص ۴۷۷)

حضرت صادق علیه السلام در حدیث دیگری اهمیت این دو صفت را چنین بیان می دارد: «لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده فان ذلک شیء اعتاده، فلو ترک استوحش لذلک ولكن انظروا الی صدق حدیثه واداء امانته (کافی، ج ۲، ص ۱۰۵)؛ به طول رکوع و سجود شخص ننگرید زیرا به آن عادت کرده و اگر ترک کند به خاطر آن وحشت می کند، بلکه به راستی گفتار و امانتداری او بنگرید.

از منظر امام صادق (ع)، ملاک شناسایی شیعه واقعی، عبادت و اطاعت های ظاهری نمی باشد، بلکه باید راستی و امانتداری او ثابت شود. چه بسا افرادی که با انجام عبادت ها و اعمال ریایی، خود را مؤمن و پیرو اهل بیت علیهم السلام قلمداد می کنند، اما در امتحان راستی و امانتداری مغلوب شیطان می شوند

احترام به دیگران

به حقوق دیگران احترام می گذارد؛ به نظر دیگران احترام می گذارد؛ خوش قول و وقت شناس است؛ به دیگران حق تصمیم گیری می دهد؛ تنها منافع خود را ارجح نمی داند.



مدیرانی که کانون مهر و محبت رحمت بوده و با گشاده رویی و اشتیاق به خدمت مردم می پردازند در قلب جامعه و در دل انسانها جای دارند، آنان با عمل پسندیده خود بر روح و جان مردم نفوذ می کنند و پیوسته در اثر لطف الهی از پشتیبانی مردم برخوردار بوده و عزت و احترام خواهند داشت. امام صادق (ع) در پیام ارزشمندی به مدیران و آحاد جامعه اسلامی توصیه فرمود که: بر مسلمانان شایسته است که در پیوستن و یاری کردن و خدمت نمودن به همدیگر با مهرورزی و مواسات و عطف گام بردارند و چنان باشند که خداوند متعال در قرآن فرموده است: در میان خود مهربان و انیس یکدیگرند. در حقیقت خدمت به برادران دینی بالاترین عبادتی است که هیچ امر خیری به درجه آن نمی رسد آن گرامی فرمود: خداوند متعال به چیزی همانند گام برداشتن در راه خدمت و نیکی به برادران دینی سفارش نشده است.

عدالت و انصاف

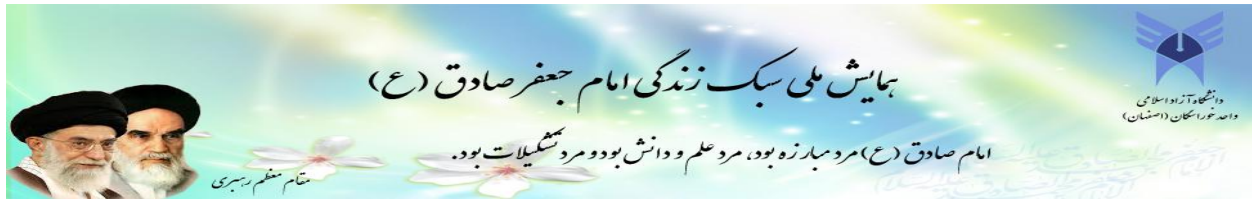
طرفدار حق است؛ در قضاوت تعصب ندارد؛ بین افراد از لحاظ فرهنگی، طبقه اجتماعی و اقتصادی، نژاد و قومیت تبعیض قائل نمی شود.

اساساً یک مدیر عادل، همزمان با اجرای عدالت، ناچار است با مفسدان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مروجان فساد، فحشا و بی بندوباری، بر هم زندگان عزت و استقلال کشور و سایر موانع عدالت مقابله کند.

امام ششم در این باره فرمود: «لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ؛ تنها شمشیر، مردم را استوار می گرداند.» (الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۲).

در سایه مدیریت عدالت محور، باید کلیه اقشار جامعه، در آسایش زندگی کنند و خائنان و افراد آلوده دامن در هراس به سر برند. به همین سبب، صادق آل محمد (ع) می فرماید: «حَدُّ يُقَامُ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛ اجرای یک مورد حد برای خدا در زمین بهتر از باریدن چهل روز باران خواهد بود.» (وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۱۳).

در اینجا شایسته است که آن سخن تاریخی از مولای عدالت پیشگان را به یاد آوریم که به عیبالله بن عباس یکی از مدیران حکومت علوی، که از جاده صداقت و عدالت خارج شده و به بیت المال خیانت کرده بود عتاب کرد و در آخر فرمود: به خدا سوگند! اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی از من روی خوش نمی دیدند و به آرزو نمی رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستانم.» [نهج البلاغه، نشر ائمه، نامه ۴۱]



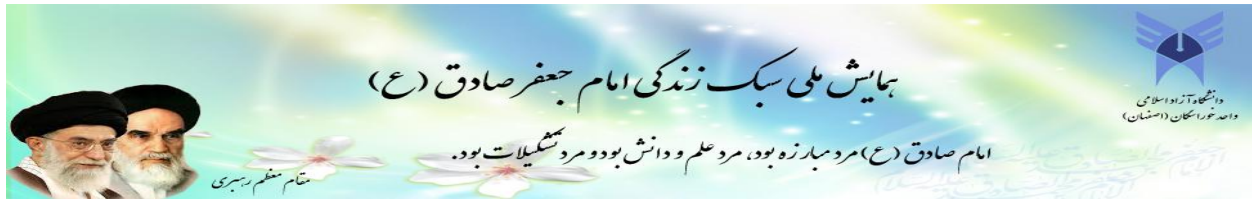
اخلاق که یکی از بهترین اصول زندگی فردی و اجتماعی محسوب می شود امروز بیش از هر زمان بشر نیازمند آن است در واقع بسیاری از مشکلات پیش روی انسان ناشی از فقدان اخلاق فردی و اجتماعی افراد جامعه بشری است. اینجاست که خلأ وجود اصول اخلاقی مبتنی بر فطرت بشری به چشم می خورد. بنابراین برای رفع این معضل بزرگ جهان امروز ناگزیر باید به بزرگترین اساتید و معلمان اخلاق در طول تاریخ مراجعه کرد و با الگو گرفتن از رفتار شان و گوش سپردن به گفتارشان بر این مهم فائق آمد و آنان نیستند جز ائمه از خاندان پاک رسالت و نبوت یعنی امامان معصوم شیعه که به اعتراف خاص و عام بهترین الگو در رفتار اسلامی هستند در میان این الگوهای رفتاری اسلامی امام صادق(ع) که مغز متفکر شیعه محسوب می گردد، ویژگی های مدیران و مسئولان را چنین بیان میداند:

استقامت و پایداری

بدون تردید تلاش و استقامت در راه هدف، از عوامل پیروزی و توفیق انسان به شمار می رود . کسانی در زندگی به خواسته ها و آرزوهای خود رسیده اند که در راه آن نهایت تلاش و استقامت را بکار برده باشند. امام صادق علیه السلام یکی از مهم ترین نشانه های شیعه را استقامت در راه حق می داند و رسیدن به سعادت حقیقی را در گرو این خصیصه پسندیده قلمداد می کند و می فرماید: «لوان شیعتنا استقاموا لصافحتهم الملائکة ولا ظلمهم الغمام ولا شرقوا نهارا ولا کلووا من فوقهم ومن تحت ارجلهم، ولما سالوا الله شیئا الا اعطاهم (تحف العقول، ص ۳۰۲)؛ اگر شیعیان ما در راه حق استقامت ورزند فرشتگان آسمان با آنان دست می دهند، ابرها [ی رحمت] بر سر آنان سایه می افکنند و سیمایشان همانند روز روشن می درخشد و از زمین و آسمان روزی می خورند و هیچ خواسته ای از خداوند نخواهند داشت مگر اینکه خدای متعال به آنان عطا می کند.

تلاش برای اصلاح دیگران

مدیران لایق، برای هدایت و اصلاح کارکنان، مترصد هستند. پیروان اهل بیت علیهم السلام تنها بدنبال نجات خویش نیستند بلکه در اندیشه اصلاح و راهنمایی دیگران در برابر انحرافات می باشند . آنان بالهام از رهنمودهای پیشوای ششم علیه السلام با بکارگیری شیوه های صحیح و پسندیده به اصلاح افراد می پردازند و با اخلاق نیک در جذب گنه کاران تلاش می کنند و این کلام زیبای رئیس مذهب جعفری را هیچگاه فراموش نمی کنند که فرمود: «لا تقلفی المذنبین من اهل دعوتکم الا خیرا، واستکینوا الی الله فی



توفیقهم وسلوا التوبة لهم (تحف العقول، صفحه ۳۰۴)؛ در مورد هم کیشان بدکار خود جز خوبی [و نیکی] چیزی نگو و از خداوند توفیق هدایت و توبه آنان را بخواهید».

امانت و صداقت

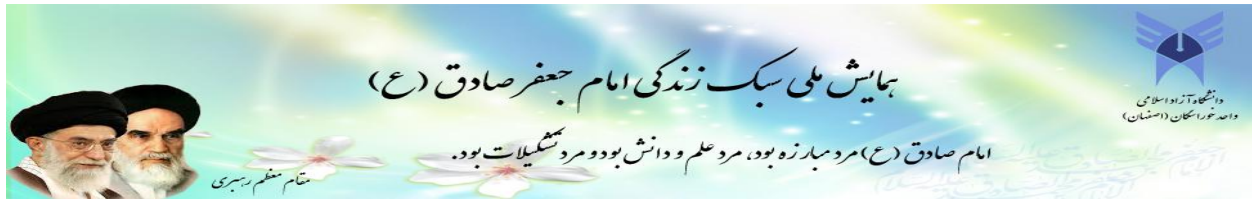
امام صادق علیه السلام به ابی کهمس فرمود: «اذا اتيت عبد الله فاقراه السلام وقل له: ان جعفر بن محمد يقول لك: انظر ما بلغ بهعلي عند رسول الله صلى الله عليه و آله فالزمه، فان عليا عليه السلام انما بلغ ما بلغ به عند رسول الله صلى الله عليه و آله بصدق الحديث واداء الامانة (اصول کافی، کتاب الايمان والكفر، باب الصدق و اداء الامانة، حديث ۵)؛ هرگاه پیش عبدالله [بن ابی یغفور] رفتی، سلام [مرا] به او برسان و بگو: جعفر بن محمد به تو می گوید: دقت کن در آن چیزی که به وسیله آن علی علیه السلام در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله سرفراز شد [و او را به آن مقامات عالی رساند]. [پس تو هم] آن ها را برای خودت لازم بدان [و رفتار خویش را با آن اوصاف زیبا بیاری]، مطمئنا علی علیه السلام باراستگویی و امانتداری در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله به آن درجه و عظمت رسید».

شهرت گریزی

از دیدگاه شیعیان واقعی، کار و عمل انسان باید برای جلب رضایت حضرت حق باشد و به غیر از این عمل وی ارزش حقیقی نخواهد داشت. کسانی که برای خوشایند دیگران و جلب رضایت غیر خدا تلاش می کنند، کاری بیهوده و عبث انجام می دهند. اساسا خودپرستی با خداپرستی در تضاد است. از منظر امام صادق علیه السلام عمل ریایی که برای خشنودی خداوند متعال نبوده و تنها برای هوای نفس و خوشایند دیگران انجام می گیرد، نزد خداوند عالم ارزشی ندارد. آن وجود گرامی در یک سخن بلیغ فرمود: «کل البر مقبول الا ما كان رياء (تحف العقول، ص ۳۰۳)؛ تمام نیکی ها پذیرفته می شود مگر اعمالی که بخاطر ریاء [و نشان دادن به دیگران] انجام گرفته باشد».

پیشوای ششم در توضیح سخن خویش به عبدالله بن جندب می فرماید: «لا تصدق علی اعین الناس لیزکوک، فانک ان فعلت لک فقد استوفيت اجرک، ولكن اذا اعطيت بیمینک فلا تطع علیها شمالک (تحف العقول، ص ۳۰۵)؛ هیچگاه صدقه [و کارهای نیک] را جلو چشم مردم انجام مده به قصد اینکه تو را [مردی] پاکیزه انگارند، که اگر به این [سخن] عمل کنی اجر و پاداش خود را به نحو کامل دریافت خواهی کرد، ولی [به خاطر داشته باش] که اگر با دست راست خود بخشش می کنی دست چپ خود را مطلع نساز.

همیاری با دیگران در سازمان



تعاون و همیاری در بین پیروان اهل بیت علیهم السلام گذشته از اینکه موجب نزدیکی دل ها و ایجاد انس و محبت می شود، از مهم ترین عوامل اقتدار و تحکیم ارتباط در میان آنان می باشد.

آنان با کنار گذاشتن اختلاف نظرها و سلیقه های مختلف و احترام به همدیگر در پیشبرد و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام نهایت سعی خود را مبذول می دارند. شیعیان حقیقی با دوری از هوای نفس و رد خواست های شیطانی مخالفین مکتب متعالی تشیع، با همدیگر مانوس شده و در راه ترویج معارف اسلامی و آموزه های اهل بیت علیهم السلام تلاش می کنند. امام صادق علیه السلام در این مورد به یکی از یاران خود می فرماید: «بلغ معاشر شیعتنا وقل لهم: لا تذهبن بکم المذاهب، فوالله لا تنال ولایتنا الا بالورع والاجتهاد فی الدنیا ومواساة الاخوان فی الله (تحف العقول، ص ۳۰۳)؛ به شیعیان ما برسان و بگو: مبدا گروه ها [ی منحرف] شما را اغفال کنند، به خدا سوگند! به ولایت ما اهل بیت نمی توان رسید مگر با تقوی و تلاش در دنیا و همکاری با برادران دینی در راه خدا.

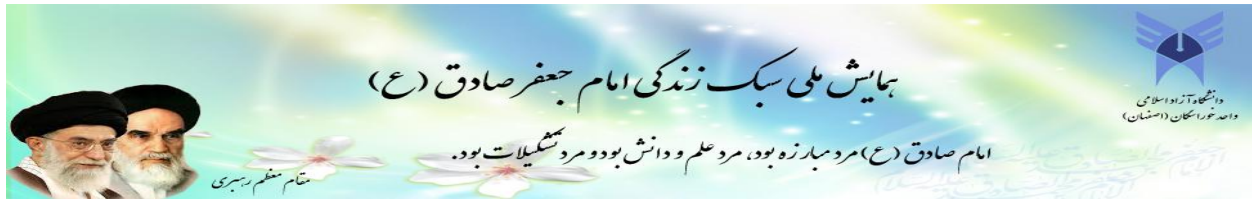
استفاده از فرصت ها

فرصت های بدست آمده در زندگی کم است و سریعا از دست انسان خارج می شود. انسان موفق کسی است که از هر فرصت بدست آمده - گرچه کوتاه مدت باشد - برای رسیدن به هدف خویش بهره گیرد. پیشوای ششم در این زمینه به پیروان خود فرمود: «مانتظر عاجلة الفرصة مؤاجلة الاستقصاء سلبته الايام فرصته، لان من شان الايام السلب وسبيل الزمن الفوت (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۸)؛ هر کس [در فرصت های بدست آمده که کوتاه و گذرا هستند] به انتظار فرصت های کاملتری در آینده بنشیند، روزگار آن فرصت [کوتاه] را نیز از او خواهد گرفت؛ چرا که عادت روزگار سلب [فرصت ها] و روش زمانه از دست رفتن است.»

گروه های غیر رسمی در سازمان

همانطور که گروه های رسمی توسط یک سازمان ایجاد می شوند، گروه های غیر رسمی اغلب توسط اعضاء این سازمانها تشکیل می شوند. گروه های غیر رسمی شامل گروه های دوستی (نسبتاً دائم) و گروه های ذینفع (نسبتاً موقت) می باشد (مورهد و گریفین، ۱۳۸۶). اهمیت ارتباطات سازمانی تا آن میزان است که می تواند در پیشبرد و یا عدم دستیابی به اهداف سازمان نقش کلیدی ایفا کند. بنابراین لازم بنظر می رسد دیدگاه امام صادق (ع) در زمینه دوستی و رفاقت بیان گردد.

دوست خوب، برای هر فرد سرمایه های بزرگ زندگی است و از عوامل خوشبختی آدمی است و انسان در انس با دوست است که احساس مسرت و شادی می کند و شادمانی و نشاط را در گرو همنشینی با رفیق می داند.



«رفیق شایسته»، برای جوان جایگاه خاص خویش را دارد و اهمیت آن به گونه‌ای است که در شکل دهی شخصیت او نقش بزرگی ایفا کرده، اولین احساسات واقعی نوع دوستی را در وی ایجاد می‌کند.

جوان از یک سو به کشش طبیعی و خواهش دل، عاشق دوستی و رفاقت و در پی ایجاد عمیق‌ترین روابط دوستانه با یک یا چند نفر از همسالان خود است و از طرف دیگر بر اثر احساسات ناسنجیده و عدم نگرش عقلانی ممکن است در دام رفاقت با دوستان نادان و تبه‌کار افتد (رابطه دوستی و محبت، احمد مطهری، ص ۵۸). از این رو خطر وجود دوستان بد و ناپاک، این نگرانی را در جوان ایجاد می‌کند که «چگونه یک دوست خوب و یکدل را انتخاب کنم؟»

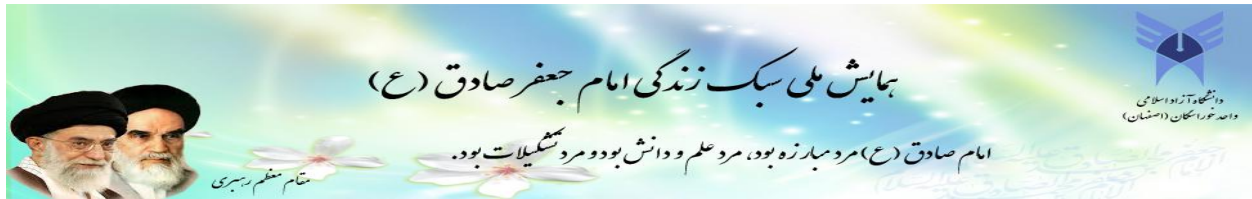
امام صادق (ع) رفاقا را سه نوع می‌داند:

- ۱- کسی که مانند غذا به آن نیاز هست و آن «رفیق عاقل» است.
 - ۲- کسی که وجود او برای انسان به منزله بیماری مزاحم و رنج‌آور است و آن «رفیق احمق» است.
 - ۳- کسی که وجودش به منزله داروی شفا بخش است و آن «رفیق روشن بین و اهل خرد» است (تحف العقول، ص ۲۲۳).
- شیوه انتخاب دوست در نگاه پیشوای ششم، این گونه است:

«رفاقت، حدودی دارد، کسی که تمام آن حدود را دارانست، کامل نیست، و آن کس که دارای هیچ یک از آن حدود نیست، اساساً دوست نیست:

- ۱- ظاهر و باطن رفیق، نسبت به تو یکسان باشد.
- ۲- زیبایی و آبروی تو را جمال خود بیند و نازیبایی تو را نازیبایی خود بداند.
- ۳- دست یافتن به مال یا رسیدن به مقام، روش دوستانه او را نسبت به تو تغییر ندهد.
- ۴- در زمینه رفاقت، از آنچه در اختیار دارد، نسبت به تو مضایقه ننماید.
- ۵- تو را در مواقع گرفتاری و مصیبت ترک نگوید. (الامالی، شیخ صدوق، ص ۳۹۷).

«دوست آینده تمام نمای دوست» است و دو دوست مثل دو دست‌اند که آرایش یکدیگر را می‌شویند و به فرموده امام صادق (ع): «کسی که بیند دوستش روش ناپسندی دارد و او را بازنگرداند، با آنکه توان آن را دارد، به او خیانت کرده است.» (سفینه البحار، ج



امام صادق (ع) ضمن تاکید فراوان به انتخاب دوست خوب و پایداری در این دوستی، جوانان را از رفاقت با نادان و احمق پرهیز می‌دهد:

«کسی که از رفاقت با احمق پرهیز نکند، تحت تاثیر کارهای احمقانه وی قرار می‌گیرد و اخلاقش همانند اخلاق ناپسند اومی شود.» (مستدرک الوسایل، نوری، ج ۲، ص ۶۴).

در فرهنگ نورانی حدیثی ما، جوانان را از رفاقت با «بدنامان» برحذر داشته (وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۶)، آنان را به دوری از دوستان خائن و متجاوز و سخن چین ترغیب می‌سازند، امام صادق (ع) می‌فرماید:

«از سه طائفه مردم کناره‌گیری کن و هرگز طرح دوستی و رفاقت با آن مریز: خائن، ستمکار و سخن چین. زیرا کسی که برای تو به دیگری خیانت کند، روزی نیز به تو خیانت خواهد کرد و کسی که برای تو به دیگران ظلم و تجاوز کند، به تو نیز ظلم خواهد کرد و کسی که از دیگران نزد تو سخن چینی کند، علیه تو نیز نزد دیگران نمایی خواهد نمود.» (تحف العقول، ص ۳۲۶).

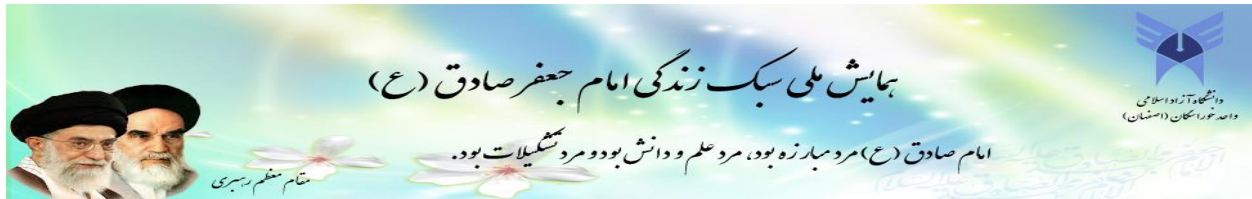
راه و «رسم رفاقت» در ثبات و پایداری دوستی مؤثر است، گوشه‌ای از شیوه آن را در کلام امام صادق (ع) می‌نگریم:

«کمترین حق آن است که:

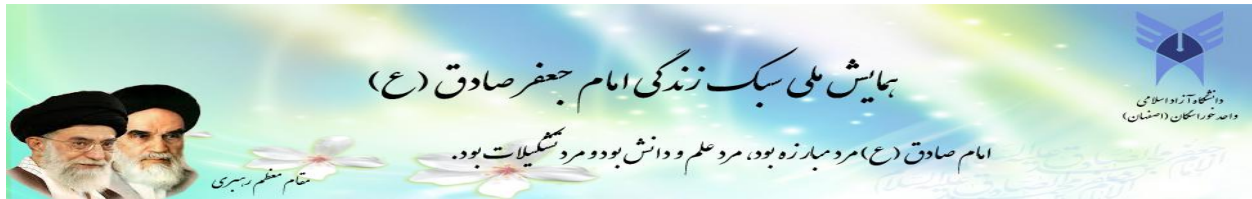
دوست بداری برای او چیزی که برای خود دوست می‌داری. کراهت داشته باشی در حق او، از آن چه برای خود کراهت داری. از خشم او پرهیزی، به دنبال رضا و خشنودی او باشی. با جان و مال و زبان و دست و پایت او را کمک کنی. مراقب و راهنمای او و آینه او باشی. سوگندش را قبول کنی، دعوتش را اجابت نمایی، هرگاه بیمار شد، به عیادتش بروی و هرگاه فهمیدی حاجتی دارد، قبل از این که بگوید، آن را انجام دهی، و وی را ناگزیر نکنی که انجام کار را از تو درخواست کند...» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۹)

بحث و نتیجه گیری

مدیریت در دین مبین اسلام اهمیت خاصی دارد و مدیریت اسلامی زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم می‌نماید مدیران اسلامی خدمتگزاران مردم هستند و باید در جهت خدمتگزاری، اقامه حق و عدل و دفع باطل و ظلم بکوشند، که البته این مهم با رعایت اخلاق و احکام اسلامی فراهم می‌آید. بی‌تردید اخلاق در اسلام، به‌خصوص برای مدیر اهمیت فراوانی دارد. این امر به‌لحاظ جنبه‌های زیر است:



۱. علاوه بر آنکه اخلاق از ارکان اسلام و در ردیف عقاید و احکام به‌شمار می‌آید، عامل پیوند انسان با پروردگار است؛ چیزی که مقصود اصلی ایجاد انسان است.
۲. بزرگ‌ترین کمال آدمی تخلق به اخلاق الهی است و تمامیت کمالات مدیر به اخلاق وابسته است.
۳. کمال رهبری و مدیریت هنگامی است که مدیر در مسیر شریعت اسلام گام بردارد. این راه همان اخلاق اسلامی است؛ لذا لازم است مدیران راه پیامبران و جانشینان آنها را ببینند. دیگر آنکه آیین مقدس اسلام در تمام زمینه‌ها (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره) جز با شیوه اخلاقی که دین اسلام بر آن استوار است، تمام و کامل نمی‌گردد. اهمیت اخلاق و ارج و بهای آن برای مدیران از این امر ظهور و بروز می‌یابد. از بررسی آموزه‌های اخلاقی امام صادق(ع)؛ چنین بر می‌آید که مدیر هر سازمان در صورت داشتن چنین صفات و فضائلی می‌تواند نه تنها در جهت پیشبرد اهداف سازمان بلکه در زمینه کمک به کسب فضائل انسانی و اخلاقی کارکنان موثر باشد. مدیری که استقامت و پایداری دارد، در راه هدف و رسیدن به خواسته‌ها، نهایت تلاش را می‌کند و با پایداری خود در مسیر اصلاح دیگران قدم برمیدارد. با صداقت و امانت داری انسجام سازمان را رقم می‌زند. در چنین سازمانی، مسلم است که کارکنان هم در راستای اهداف سازمان و تفکرات مدیر تلاش می‌کنند و اگر مدیر در این سازمان شهرت طلب نباشد و بخاطر ریا و نشان دادن به دیگران اقدامی انجام ندهد، کلیه تلاش‌هایش را در همیاری با دیگران در سازمان بکار می‌بندد و با استفاده از فرصت‌ها و بکار بردن دوستی‌ها و رفاقت‌ها در پیشبرد اهداف سازمان نقش کلیدی ایفا می‌کنند. به این ترتیب مدیران در سازمان‌ها لازم است، صفات اخلاقی مورد نظر امام صادق(ع) را در خود نهادینه نمایند و به مدیران ارشد، توصیه می‌گردد در انتخاب دیگر مدیران در سطوح عملیاتی سازمان کلیه موارد اخلاقی ذکر شده را در نظر گرفته و در نهایت دقت و با سعه صدر، مدیران شایسته را در راس پیکان خدمت‌گزاری قرار دهند.



منابع

- ابن شیععه، حسن بن علی تحف العقول، جعفری، بهراد تهران
 اخلاق النظریه، ص ۱۰
- اصول کافی، کتاب الایمان والکفر، باب الصدق و اداء الامانه، حدیث ۵
 اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۹
- امام علی بن ابی طالب علیه السلام نهج البلاغه، نشر ائمه، نامه ۴۱
 امیری و همکاران، ۱۳۹۱ اخلاق حرفه ای ضرورتی برای سازمان، ماهنامه معرفت، شماره چهارم.
 تحف العقول، ص ۳۲۶
- چهل حدیث، امام خمینی رحمه الله، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای اصفهان ص
 ۳۵۹
- دیلمی، احمد ۱۳۸۰ اخلاق اسلامی، ص ۱۶، دفتر نشر معارف، قم، چاپ دوم، ش
 رازی، ابوعلی احمد ابن محمد ابن یعقوب طهاره الاعراق و تهذیب الاخلاق
 شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، الامالی، (م ۳۸۱ ق)
 شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲
 فرامرز قراملکی، احد، اخلاق حرفه ای، تهران: مولف، ۱۳۸۲.
- فرامرز قراملکی، احد، سازمان اخلاقی در کسب و کار: تهران: مرکز مطالعات جهانی شدن. ۱۳۸۵.
- علاقه بند، علی، ۱۳۸۳. مقدمات مدیریت آموزشی. نشر روان. چاپ ۲۶. ص ۹
 کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران. ج ۵، ص ۲،
 مجلسی، محمد تقی. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۸
- مستدرک الوسائل، نوری، ج ۲، ص ۶۴.
 مطهری احمد، (۱۳۶۷)، رابطه دوستی و محبت، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
 مورهد و گریفین، (۱۳۸۶)، رفتار سازمانی، الوانی و معمارزاده، انتشارات مروارید
 وسایل الشیععه، ج ۳، ص ۲۰۶.



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نورسنگان (استان)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.
مقام منظم رهبری